



اسپیکتولاماسوسها

نویسنده:

حسین کربلایی طاهر
(شاهین)

سرشناسه: کربلایی طاهر، حسین، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور: اسپیکتولا ماسوس ها / نویسنده حسین کربلایی طاهر (شاهین).
مشخصات نشر: تهران: انتشارات روان شناسی و هنر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۹۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۳-۷۶-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: داستان های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: Persian fiction -- 20th century
رده بندی کنگره: PIR۸۱۸۴ / ۲۳۴ الف ۵ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی: ۶۲/۳۴۸
شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۴۹۸۸۰

روان شناسی و هنر

| اسپیکتولا ماسوس ها |
| نویسنده: حسین کربلایی طاهر (شاهین) |
| ناشر: روان شناسی و هنر |
| طراح کاریکاتور: یاشار صلاحی |
| طراح گرافیک: احسان رضوانی |
| ویراستار: فاطمه سلیمی علویجه |
| لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طیف نگار |
| نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۶ | تیراژ: ۱۰۰۰ |
| شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۳-۷۶-۷ |
| ISBN: 978-600-7063-76-7 |
| تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است |
| انتشارات روان شناسی و هنر: تلفکس: ۸۸۹۹۶۵۰۶ | صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۷۳۴ |
| www.ravanhonar.com |

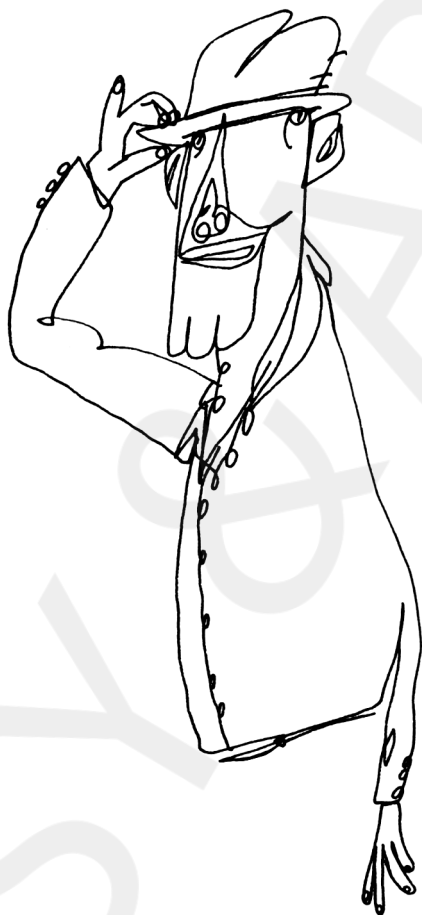
هرگونه برداشت مستقیم یا غیرمستقیم از شخصیت‌ها،
ماجرها و فضای این رمان برای فیلم سینمایی، فیلم یا
برنامه تلویزیونی، نمایش صحنه، نمایش رادیویی، برنامه
رادیویی یا جهت استفاده در فضای مجازی به هر نوع و
شکل منوط به اجازه کتبی از نویسنده است.

اسپیکتولا ماسوس ها (Espictolamasoses): نام موجوداتی ذره بینی که چه با چشمان مسلح و چه با چشمان غیر مسلح قابل رویت نیستند. منشاء این موجودات به سنگواره های هزاره سوم قبل از میلاد و همچنین دوران پارینه سنگی باز می گردد.

دیکشنری مک هاستر

اسپیکتولا ماسوس ها (Espictolamasoses): همان موجوداتی که در دیکشنری مک هاستر آمده.

دیکشنری بالمیتون























مقدمات و تعریفات

■

در تهران اتفاق افتاد. تهران شهر بزرگی است در ایران. ایران کشوری است که در سیاره زمین قرار دارد. سیاره زمین یکی از چند سیاره منظومه شمسی است که به دلیل فاصله مناسب با خورشید امکان حیات در آن وجود دارد. خورشید بزرگترین سیاره منظومه شمسی است که به دلیل تولید گرما و حرارت از اهمیت خاصی برخوردار بوده و بقیه سیارات از جمله زمین را به دور خود می چرخاند. تهران خیابانهای زیادی دارد. خیابان یک راهی است که یا دوطرفه است یا یک طرفه و در اندازههای مختلف چه از لحاظ عرض و چه طول برای ماشینها و دیگر وسایل نقلیه ساخته شده است. ماشینها اشیایی قوطی مانند فلزی هستند که با چهار چرخ و با کمک نیروی موتور حرکت کرده و سرنشینان خود را این طرف و آن طرف می برند. منظور از نیروی موتور همان نیرویی است که توسط موتور تولید می شود و نه انسان؛ و معمولا برای راه افتادن احتیاج به منبع انرژی دارد که بنزین است، بنزین مایعی است بدبو ولی گران که از نفت به دست می آید. نفت مایعی است بدبو تر که دائم بالا و پایین می رود و سر بالا و پایین رفتنش یا جنگ و دعوا است یا جنگ و دعوا می شود. نفت از دل زمین که سیاره ایست در منظومه شمسی و به

دور خورشید می‌گردد و فاصله خوبی با آن دارد استخراج می‌شود. استخراج نفت کار ساده‌ای نیست و به همین راحتی‌ها هم نیست. احتیاج به خیلی چیزها از جمله دکل دارد. دکل نفت یک چیز بسیار بزرگی است که از آهن است و بسیار سنگین و توی جیب جا نمی‌شود، اما امکان گم شدنش می‌رود. گم شدن یک اتفاق است. اتفاق به مسئله‌ای می‌گویند که ناگهان روی می‌دهد. مثل گم شدن یک دکل نفت یا ناپدید شدن میلیاردها تومان پول. البته چون اتفاق، اتفاق است و همان‌طور که قاصدبن جُبیل در کتاب الاتفاق می‌گوید: «الاتفاق من الاتفاق» یعنی اتفاق از اتفاق است، پس کسی از آن خبر نداشته. بنابراین زیاد مسئله مهمی نیست که آدم وقت و انرژی‌اش را صرف آن کند.

آدم موجودی است که نباید با آزیان و پرندگان و خزندگان اشتباه گرفته شود. زیرا آدم دو دست دارد و دو پا و دو چشم و دو ابرو و دماغ و دهن یک گردو. گردو نام یکی از تنقلات خوشمزه‌ایست که مانند بادام برای باز کردنش به یک جسم سخت احتیاج است. در هنگام باز کردن گردو باید مراقب بود تا این جسم سخت به کله آدم برخورد نکند، وگرنه می‌گویند؛ فلانی براثر برخورد کله‌اش با یک جسم سخت مُرد. مُردن حالتی است که آدم که موجودی است با دو دست و دو پا و بر سیاره زمین که سیاره‌ایست در منظومه شمسی و به دور خورشید می‌گردد و فاصله خوبی با آن دارد زندگی می‌کند، دیگر زندگی نمی‌کند. البته هستند آدم‌های خاصی که تا ابد زنده می‌مانند؛ مثل بعضی از دانشمندان، علما، هنرمندان، فیلسوفان و... که تمام عمر خود را برای زندگی بهتر بقیه آدم‌ها صرف می‌کنند. و بقیه آدم‌ها هم هیچ وقت به حرف‌های آنها گوش نمی‌دهند. اما هستند آدم‌های دیگری که حتی وقتی زنده‌اند مرده‌اند. آنان کسانی هستند که بقیه آدم‌ها هر روز دعا می‌کنند که ای کاش زودتر بمیرند!

آدم‌ها به دو دسته مردان و زنان تقسیم می‌شوند. مردان آن دسته از آدم‌هایی هستند که یک کروموزوم X و یک کروموزوم Y دارند، در صورتی که زنان دو کروموزوم X دارند. یکی از تفاوت‌های اصلی بین این دو دسته از آدم‌ها در این است که مردان

هم می‌توانند موتورسواری کنند و هم ترکِ موتور سوار شوند؛ در صورتی که زنان که دو کروموزوم X دارند فقط می‌توانند ترکِ موتور سوار شوند. در اینجا مشکل تنها بر سر چند سانتی‌متر، یعنی فاصله بین زنان و فرمانِ موتور است تا جایی که فرمان، دست زنان نیفتد مشکلی پیش نمی‌آید و می‌توانند هر تعداد که باشند ترکِ موتور که راننده‌اش مرد باشد و فرمان به‌دست سوار شوند و به هر سمتی که ایشان فرمان را می‌چرخاند این طرف و آن طرف بروند و از لذت موتورسواری بهره‌مند شوند. البته ناگفته نماند که برخی از زنان مثل خانم لوپس پرایس با دو کروموزوم X از آن طرف دنیا یعنی از انگلستان که جزیره‌ای بی‌اهمیت است در شمال افریقا می‌آیند و آزادانه فرمانِ موتورِ خود را در دست می‌گیرند و کلِ ایران را که کشوری است در سیاره زمین و سیاره زمین هم یکی از چند سیاره منظومه شمسی است که به دلیل فاصله مناسب با خورشید امکان حیات در آن وجود دارد، یک تنه موتورسواری می‌کنند و برای ایشان هیچ مشکلی وجود ندارد. چون اولاً ایشان جهانگرد هستند و باید هوایشان را داشت که پس‌فردا راجع به ما به اجنبیان چه خواهد گفت و دوماً خارجی هستند و مهمانِ ما، و از قدیم گفته‌اند که بهترین‌ها را باید جلوی مهمان که حبیبِ خدا است گذاشت. حبیب، نام خواننده‌ایست که سابقاً با موهای بلند فرفری و یقه باز، مردِ تنهای کوچه‌ها بود و وسیله‌ای که به آن گیتار می‌گویند را در دست می‌گرفت و هی یا از شهلایش می‌گفت یا از غمِ مادرش می‌خواند و چه خوب هم می‌خواند! چند وقتی نبود که بعداً یک‌دفعه گفتند بود و بود، ولی بعد دوباره یک‌دفعه نبود چون نتوانست مثل سابق مردِ تنهای کوچه‌ها باشد. البته دو کروموزوم X خارجی داشتن مزایای دیگری هم دارد، مثل اجازه ورود به استادیوم‌ها که کم‌مزیتی نیست. استادیوم هم که به یک جایی گفته می‌شود که معمولاً بزرگ است و آدم‌ها می‌روند آنجا تا ورزشِ یک‌سری آدم‌های دیگری را ببینند، که البته آن دسته از آدم‌هایی که دو کروموزوم X دارند حق ورود به آنجا را ندارند، مگر آنکه دو کروموزوم X خارجی داشته باشند که کسی کاری به کارشان نداشته و حتی می‌توانند در حین تماشای ورزش، چیپس و پفک هم بخورند.